

...همینطور محمدرضای پهلوی در سال‌های دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادیخواهان - خشن؛ بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم - وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع می‌کرد و از آنها حرف می‌شنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملتی است که از عزت ملی محروم است. ۸۸/۲/۲۲

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۰۴ / چهارشنبه ۱۶ مرداد ماه ۱۳۹۸

### داستان یمن در ماه‌های پایانی

**کیهان:** عربستان سعودی در اداره جنگ یمن و در برون‌رفت از آن دچار بحران اساسی است. حدود ۵۲ ماه پیش، رهبر معظم انقلاب اسلامی با قاطعیت از شکست متجاوزین به یمن و به طور خاص از شکست خفت‌بار عربستان سعودی خبر داده بودند و این در حالی بود که در آن زمان همه علائم به نفع سعودی بود. هواپیماهای بسیار پیشرفته آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی کوچه و بازارها را بمباران می‌کردند.

در این میان جمهوری اسلامی متجاوزان را مثل همیشه محکوم کرد و تلاش خود را به توقف این جنگ معطوف نمود اما با این وجود به دلیل محاصره هوایی و دریایی یمن و عدم اتصال زمینی، ایران نیز کار زیادی نمی‌توانست انجام دهد. در اینجا یک ملت فقیر بود که در معرض دو جنگ قرار گرفته بود، جنگ رژیم سعودی و مؤتلفین آن و جنگ «برادران» که آلت دست واقع و بعضاً به امید موقعیتی کنار سعودی‌ها و اماراتی‌ها قرار گرفته بودند. اما این باز برای غلبه بر مردم یمن کفایت نمی‌کرد بر این اساس سعودی‌ها و اماراتی‌ها، وارد مذاکره رسمی با کشورهای مختلف از جمله مصر، پاکستان، افغانستان، ترکیه، موریتانی، اریتره و سودان شده و از آنان خواستند که یگان‌هایی را برای کمک به ارتش‌های سعودی و امارات در نظر بگیرند که البته در اکثر این موارد با پاسخ منفی مواجه گردیدند. در این میان سه کشور مصر، پاکستان و ترکیه اگرچه انصارالله را محکوم کردند اما به مشارکت در جنگ رژیم سعودی نیز تن ندادند. پس از این بود که دولت سعودی به خصوص در مذاکره با دولت‌های پاکستان و افغانستان از آنان خواست، جهت اعزام نیروهای غیرنظامی خود در قبال دریافت مبالغی پول با ارتش عربستان همکاری نمایند. براساس برخی اخبار دولت نوازشریف در پاکستان قبول کرد که در مقابل دریافت روزانه ۹ دلار، به ازای اعزام هر نفر، افراد را به جنگ علیه یمن گسیل کند و البته علاوه بر آن یک خانه مجلل در ریاض نیز از دولت سعودی دریافت کرد. کما اینکه چنین فرمولی در کابل نیز مورد بحث قرار گرفت، ولی در نهایت تعداد افغانی و پاکستانی‌هایی که در قالب گروه‌های مزدور به عربستان گسیل شدند از ۳۰ هزار نفر کمتر بود.

### عکس یادگاری ترامپ با طالبان نزدیک است ؟

**خراسان:** هشتمین دور مذاکرات طالبان و آمریکا در دوحه قطر در حالی پایان یافت که طرفین، بدون ارائه جزئیات دقیق، از حصول یک توافق کلی و امضای قریب الوقوع توافق نامه سخن گفته اند.

زلمی خلیل زاد نماینده ویژه آمریکا در مذاکرات صلح با طالبان، پس از پایان هشتمین دور گفت و گوهایش با ملا برادر، فرد شماره دوی طالبان، به دهلی رفته تا به گفته خودش، همکاری های بین المللی را برای رسیدن به صلح در افغانستان جلب کند. او در رشته توثیت هایی، گفته است که مذاکرات، پیشرفت های خوبی داشته و گفت و گوهای طرفین، اکنون بر سر تعیین مکانیسم اجرای توافقات در جریان است. این اعلام مواضع در حالی صورت می گیرد که برخی از آگاهان معتقدند امضای اولیه توافق نامه مذکور صورت گرفته اما دو طرف، از رسانه ای کردن آن خودداری می کنند.

این مطلب تا حدی قوت یافته است که سفر روز گذشته آلیس ولز معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا در امور آسیای مرکزی و جنوبی به اسلام آباد پاکستان نیز در همین راستا قلمداد شده و برخی رسانه های پاکستانی مدعی شده اند که سفر خانم ولز، با هدف فراهم کردن مقدمات سفر ترامپ به کابل و امضای رسمی توافق نامه صلح با طالبان و گرفتن عکس یادگاری مقامات آمریکایی با رهبران طالبان صورت گرفته است.

مسئله خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و تضمین طالبان بر استفاده نکردن از خاک افغانستان توسط گروه های تروریستی، دو مسئله اصلی اختلافی میان دو طرف بود که به نظر می رسد در این دور از گفت و گوها، راه حلی برای آن پیدا شده است. اظهارات طرفین، نشانگر آن است که آمریکا، جدولی برای خروج از افغانستان را پیش روی خود دارد و طالبان نیز تعهد هایی برای قطع همکاری با القاعده و دیگر گروه های تروریستی به آمریکا داده اند. انتظار می رود پس از امضای رسمی این توافق نامه، بخش دیگری از این پروسه، شکل عملیاتی به خود بگیرد. بخشی که به نظر می رسد جنجال های آن، کمتر از توافقات صورت گرفته تاکنون نباشد.

آغاز مذاکرات میان دولت افغانستان با طالبان و چگونگی ورود طالبان به قدرت سیاسی، همواره از اصلی ترین مسائل اختلافی بوده است که تا این لحظه، آمریکا کوشیده به گونه ای، آن را به حاشیه براند.

طالبان، تا این لحظه، هرگز حاضر نشده اند که با دولت افغانستان وارد مذاکره شوند و اکنون که توافق صلح آمریکا و طالبان، قریب الوقوع به نظر می رسد، نحوه حضور آن ها در ساختار قدرت از یک سو و تعیین تکلیف وضعیت نظام سیاسی کنونی از دیگر سو، در هاله ای از ابهام قرار دارد.

طالبان، همواره بر عنوان «امارت اسلامی طالبان» تاکید داشته اند و نظام کنونی، بر اساس قانون اساسی، «جمهوری اسلامی» است و هنوز، این مسئله روشن نیست که آیا پس از اجرایی شدن توافقات آمریکا و طالبان، شاهد حکومت امارت اسلامی خواهیم بود یا طالبان به جمهوری اسلامی افغانستان آری خواهند گفت.

### کری خوانی یک بازنده

**رسالت:** قرار نیست همه موفق باشند؛ گاهی یک سیاستمدار هر چقدر هم انگلیس درس خوانده و آشنا به روش غربی ها باشد، ممکن است از آنان رودست بخورد و مملکتی را چندین و چند سال معطل کند. حتما اعتقاد داریم بنای دولتمردان به موفقیت و پیشرفت کشور بوده است، اما آنان را به مثابه جوانانی می دانیم که هر چند مو سپید کرده اند اما تجربه نبرد با گرگ را نداشته اند. از قضا گوش استماع هم نداشتند و رهنمود پیر طریق را به جای آویزه گوش کردن، پشت گوش انداختند.

رئیس جمهور در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران ارشد وزارت امور خارجه صحبت‌هایی کرده است که نمی‌شد از آنها به سادگی گذشت و به حساب خدا قوت به تیم دیپلماسی نوشت؛ فلذا برای جلوگیری از تحریف تاریخ باید نکاتی بنویسیم تا مثل ماجرای شهید و جلال، غالب و مغلوب مذاکرات هم جابه‌جا نشود.

آقای روحانی گفتند: «دوست و دشمن نتوانستند بگویند برجام به ضرر ملت ایران بوده است.» نمی‌دانم جناب رئیس جمهور، ما را در کدام دسته قرار می‌دهند ولی ما هیچ‌گاه برجام را نه تنها به نفع ملت ایران ندانستیم که مایه عبرت و به تعبیر رهبری تجربه تلخ می‌دانیم.

ایشان در ادامه بیان داشته‌اند: «وقتی نظام به تصمیمی رسید باز هم باید امانت‌دار بوده و همان تصمیم را با امانت‌داری کامل به طرف خارجی منتقل کنیم.» این هم متأسفانه رخ نداد و رهبری صریحاً فرمودند «از خطوط قرمز نظام عبور شد». آقای روحانی افزوده است: «اگر وزیر خارجه کشورمان در نیویورک با وزیر خارجه آمریکا از نزدیک گفت‌وگو نمی‌کرد و من به تلفن آقای اوباما جواب نمی‌دادم، شاید روند رسیدن به توافق به کندی صورت می‌گرفت. اینکه توانستیم در طول کمتر از ۱۰۰ روز با ۶ قدرت جهانی به توافق ژنو برسیم...» ای کاش هیچ‌وقت وزیر خارجه کشوری که علمدار مقاومت است کنار یک آدمکش بی‌شرف قدم نمی‌زد تا دل رزمندگان مقاومت، آزرده شود. ای کاش رئیس جمهور ایران اسلامی اینقدر خود را عزیز می‌دانست که آمریکایی‌ها را شایسته مبادله پیام نداند؛ نه اینکه بعد از مدت‌ها از مکالمه تلفنی با اوباما ذوق کند. ای کاش شما هم هشت سال مذاکره می‌کردید و به توافق خسارت‌بار نمی‌رسیدید که درس عبرت برای تاریخ شوید. در پایان جناب روحانی گفته است: «دنیا فهمید اگر ایران عهد و پیمانی را ببندد، پای آن می‌ایستد و این یک امتیاز جاودانه برای ملت ایران است و امروز بعد یک سال صبر به عنوان ملتی که به عهد و قول خود وفادار هستیم، در تاریخ ثبت شد.» برای بار هزارم! برجام قرار بود تحریم‌ها را به قول شما بالمره بردارد نه اینکه به دنیا درس اخلاق دهد، نه اینکه حسن نیت ایران ثابت شود و نه اینکه ابزاری شود که ناکارآمدی دولت را بپوشاند، چرا که خود برجام را اگر از ما می‌شنوید به نحوی بپوشانید و هر روز به مداحی آن اقدام نکنید.

### امنیت در برابر امنیت

**صبح نو:** رویکرد جدید جمهوری اسلامی در برخورد با متخصصان، روز گذشته از زبان دکتر روحانی، رییس جمهوری کشورمان، عنوان شد. امنیت در برابر امنیت، تنگه در برابر تنگه، صلح در برابر صلح و نفت در برابر نفت. این سخن رییس جمهوری را می‌توان فصل جدید کنشگری جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی قلمداد کرد؛ همچنان که پیش‌از این نیز، فرمانده سپاه پاسداران تأکید کرده بود در صورت خطای محاسباتی دشمنان، استراتژی نظامی ایران از راهبرد دفاعی به تهاجمی تبدیل می‌شود. امنیت در برابر امنیت، بیان‌کننده قدرت‌گیری فزاینده ایران در مناسبات جهانی است که در برابر هر تهدید عناصر تهدیدزا آماده دفاع از حریم خود است. براساس همین راهبرد تهاجمی، رییس جمهوری تأکید می‌کند: ما دیگر از خطاها چشم‌پوشی نمی‌کنیم و وقتی کشتی ما را می‌گیرند، ما هم کشتی آن‌ها را گرفتیم. آمریکا و متحدانش باید بدانند آن روزگار که هشت سال مهمات تهاجمی رژیم بعث علیه ملتی مظلوم تأمین شد و هواپیمای مسافربری کشوری با بیش از ۲۰۰ مسافر نشانه رفت و صدایی از هیچ نهاد بین‌المللی درنیامد، دیگر تکرار نخواهد شد. ایران از مدت‌ها پیش دوران جدیدی در دنیا آغاز کرده است؛ دورانی که محور اصلی‌اش، پایان بزن‌ودررویی است.

آمریکا چین را به لیست سیاه برد

## آمریکا چین را به لیست سیاه برد

**دمای اقتصاد:** بالاگرفتن آتش جنگ تجاری، تفاضل بازدهی اوراق خزانه ۱۰ ساله و ۳ ماهه آمریکا را منفی‌تر از قبل کرد. این فاصله که به‌عنوان معیار پیش‌بینی رکود (یا برعکس احیای اقتصادی) از آن استفاده می‌شود، پس از تنش‌های تجاری روزهای اخیر میان دو غول اقتصادی جهان، باز هم عمق خود را در محدوده منفی بیشتر کرد. ظرف ۵۰ سال گذشته، هرگاه این معیار به محدوده منفی وارد شده، یک دوره رکود، پیامد آن بوده است. در حال حاضر تفاوت بازدهی اوراق بلندمدت و کوتاه‌مدت به منفی ۰/۳۲ درصد رسیده و در حال گسترش به‌نظر می‌رسد. پس از آنکه پکن اجازه شکسته شدن سد «۷» (نرخ برابری دلار آمریکا به یوان چین) را صادر کرد تا رنمینبی (یوان) در برابر دلار تضعیف شود، واکنش اوراق خزانه آمریکا نیز با ترسیم یک منحنی معکوس بازدهی مشخص شد. روز سه‌شنبه، پس از اینکه آمریکا چین را در فهرست دستکاری عمدی نرخ ارز قرار داد، با تشدید سریع اختلافات تجاری بین دو کشور، نرخ برابری دلار به یوان رکورد نزولی دیگری که پایین‌ترین سطح ۱۱ ساله است را به ثبت رساند. همگام با شکسته شدن سد مقاوم ۷ و تضعیف یوان در برابر دلار، بازارهای جهانی سهام نیز فرآیند سقوط خود را با شدت بیشتری ادامه دادند.

ورود چین به لیست کشورهایی که به‌صورت عمدی نرخ ارز خود را تعیین می‌کنند، پس از تصویب در وزارت خزانه‌داری آمریکا به نهادهای بین‌المللی برای اقدامات آتی سپرده خواهد شد. واشنگتن اعلام کرده است پرونده آرایش ارزی چین را از طریق بانک جهانی پیگیری خواهد کرد تا رقابت ناعادلانه چین در تجارت بین‌الملل پایان یابد. تعرفه‌گذاری‌های پیاپی از سوی ترامپ تا حدی پیشروی خود را ادامه داد که ابعاد جنگ تجاری پس از اعلام آمادگی دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه بر کل واردات از چین به آمریکا گسترده‌تر از هر زمانی شد. وضع تعرفه بر ۳۰۰ میلیارد دلار از صادرات چین به ایالات‌متحده تنها بخشی از تهدیدهای اخیر واشنگتن محسوب می‌شود. اقدام تقابلی پکن نیز با وضع تعرفه بر محصولات کشاورزی وارداتی از ایالات‌متحده و باز کردن سقف نرخ برابری دلار به یوان برای عبور از آستانه کلیدی «۷» همراه شد. پس از آن، رئیس‌جمهوری آمریکا خواستار بازخوانی پرونده اتهام دستکاری عمدی (آرایش) ارزی توسط دولت چین شد. اقدامات دولت دونالد ترامپ و گام‌های اخیر دولت چین از وقوع جنگ اقتصادی پرده بر می‌دارد که جبهه ارزی و تجاری دو بخش اصلی آن هستند. تنش‌های تجاری میان آمریکا و چین مهم‌ترین عامل اثرگذار بر روند بازارهای جهانی روزهای اخیر است. تحلیلگران تضعیف کم‌سابقه یوان در برابر دلار آمریکا را به معنای تصمیم جدی پکن در به‌کارگیری سلاح ارزی در راستای مقابله با تعرفه‌گذاری کاخ سفید عنوان می‌کنند.

